صفحه‌آرا: علی حسنی

مجلس

میدری قانع کرد؛ میرسلیم متهم شد!

جلسه علنی سه‌شنبه مجلس، پر از حاشیه و هشدار

جلسه علنی دیروز، سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی، یکی از پرتلاطم‌ترین جلسات این دوره بود. از حضور احمد میدری برای پاسخ به پرسش‌های تند نمایندگان گرفته تا واکنش صریح محمدباقر قالیباف به اظهارات جنجالی مصطفی میرسلیم، همه‌چیز دست‌به‌دست هم داد تا صحن مجلس، بار دیگر به کانون اصلی اخبار سیاسی کشور تبدیل شود.

میدری و آزمون پارلمانی سخت

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اولین دستور کار صحن علنی، با سوال حسین امامی‌راد، نماینده چناران و شاندیز، درباره برخی انتصابات در سازمان‌های تابعه وزارتخانه‌اش مواجه شد. نماینده چناران با زبانی بی‌پروا انتقاد کرد که «مجلس بارها تذکر داده اما توجهی نشده؛ برخی وزرا همسو با دشمنان قسم‌خورده نظام بودند».

در واکنش به این انتقادات، میدری با آرامش اما قاطعانه گفت: «استفاده از واژه‌هایی مثل افراد معلوم‌الحال موجب بی‌اعتمادی به کل قوه مجریه می‌شود. تمامی انتصابات ما با بررسی سوابق از ۳ نهاد نظارتی صورت گرفته است». او افزود: «قبلا هم به استناد اطلاعات غلط به من کارت زرد دادید».

با وجود فضای سنگین جلسه، میدری توانست نظر اکثریت نسبی نمایندگان را جلب کند و در نهایت با ۱۲۵ رأی موافق در برابر ۱۱۴ رأی مخالف، از استیضاح فاصله بگیرد؛ نتیجه‌ای که شاید از نگاه بسیاری، یک پیروزی پارلمانی برای دولت محسوب شود.

نطق‌هایی با طعم هشدار و مطالبه

در نطق‌های میان‌دستور، بار دیگر مسائل اقتصادی و اجتماعی محور اصلی سخنان نمایندگان بود. فاطمه محمدبیگی، عضو کمیسیون بهداشت، صریحا خواستار بازنگری در طرح مهریه شد و آن را فاقد نگاه حکیمانه و امنیتی دانست. محمدمهدی مفتح از تهیدستان نیز عملکرد بانک مرکزی را زیر سوال برد و خواستار برنامه‌ای روشن برای مهار تورم شد.

قاسم روانبخش از قم هم با لحنی تند، دولت را بابت تعلل در ارسال لایحه توافق ایران و چین به مجلس مورد انتقاد قرار داد و گفت: «چرا مجلس ایران نباید درباره قراردادهای راهبردی نظر دهد؟ ما کشور را معطل اظهارات مسخره ترامپ نکنیم».

واکنش قالیباف به ادعای میرسلیم: پیگیری قضایی می‌کنیم

اما شاید داغ‌ترین بخش جلسه، نه سوال از وزیر یا نطق نمایندگان، بلکه تذکر مهرداد کوه‌ورزنوسد چگینی درباره اظهارات جنجالی مصطفی میرسلیم بود. او گفت: «آقای میرسلیم نماینده سابق، در مصاحبه‌ای ادعا کرده که وزرا با یک پریل به مجلس می‌آیند و با کیف خالی می‌روند! این تهمت مستقیم به نمایندگان و قوه مقننه است».

رئیس مجلس نیز در پاسخ به این اظهارات، صریح و بی‌پرده واکنش نشان داد: «من این کلیپ را دیدم! این صحبت‌ها نشانی از هدان عمومی است. دادستان کل کشور حتما باید ورود کند. ما نیز در هیأت رئیسه به نمایندگی از مجلس از ایشان شکایت می‌کنیم».

اظهارنظری که نشان داد قالیباف به‌هیچ‌وجه قصد ندارد اجازه دهد اعتبار مجلس دوازدهم با زبجه دعواهای جناحی یا سیاسی شود.

تذکرات پرشمار؛ از قطعی برق تا معیشت بازنشستگان

تذکرات نمایندگان به دولت همچنان ادامه داشت. محمدرضا صابسابان بافقی نسبت به قطعی زودهنگام برق در فصل بهار هشدار داد و خواستار حضور وزیر نیرو در مجلس شد. رضا صدیقی نیز از نحوه اجرای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان نیروهای مسلح انتقاد کرد.

ازنه خمین، میبوذ شجاعی و دشتی هم از دیگر حوزه‌هایی بودند که نمایندگان شان با لحنی مطالبه‌گر، نسبت به وضعیت کارگران، عملکرد شرکت‌های خصوصی، لغو خرید دانه‌های روغنی توسط بخش خصوصی و تاخیر در معرفی وزیر اقتصاد تذکر دادند.

هشتگ «بواش بواش»؛ کنایه یا تاکتیک؟

یکی از حاشیه‌های قابل توجه جلسه، تذکر غیرمنتظره عبدالحسین روح‌الامینی بود که پیشنهاد داد برای مقابله با زیاده‌خواهی آمریکا، در قانون گذاری کشور، هشتگ «بواش بواش» را جاری کنیم. این اظهارنظر با واکنش‌های متفاوت در فضای مجازی روبه‌رو شد و نشان داد که حتی کنایه‌های پارلمانی هم گاه به سرعت به سوژه اجتماعی تبدیل می‌شوند.

سایه صندوق‌های بازنشستگی بر گزارش اصل ۹۰

در بخش دیگری از جلسه، کمیسیون اصل ۹۰ گزارش مهمی درباره عملکرد صندوق‌های بازنشستگی ارائه کرد. طبق این گزارش، ضعف جدی در انتشار اطلاعات مالی وجود دارد و فقط صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر توانسته حداقل‌های شفافیت را رعایت کند.

تصویب نظام جامع باشگاه‌داری

در پایان جلسه، نمایندگان با تصویب یک مصوبه مهم، وظایف ارکان «نظام جامع باشگاه‌داری» را تعیین کردند. مصوبه‌ای که هر چند کمتر از سایر بخش‌ها دیده شد، اما می‌تواند در سامان‌دهی به وضعیت باشگاه‌داری ورزش کشور، نقش ایفا کند.

جلسه دیروز مجلس، هم جدی بود و هم جنجالی. هم نظارت داشت و هم سیاست. از یک‌سو وزیری از چالش نجات یافت و از سوی دیگر، رئیس مجلس شمشیر را برای دفاع از حیثیت قوه مقننه از رو بست. در این میان، نماینده‌گان نیز با انبوهی از دغدغه‌های مردمی، تریبون پارلمان را به صحنه اصلی مطالبات اجتماعی تبدیل کردند.

روابط برد – برد تهران و مسکو

ایران و روسیه از عزم لازم برای توسعه روزافزون مناسبات در حوزه‌های مختلف برخوردارند. دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین با تأکید بر اینکه حجم فعلی گردش مالی- تجاری ۲ کشور متناسب با ظرفیت‌های موجود نیست، گفت: توسعه مناسبات مسکو و تهران «برد- برد» است./ایرنا

خبرهایی که نمی‌بینید

تهدیدهای توخالی دشمن

دشمن توان آسیب‌زدن به سامانه آفندی ایران را ندارد. سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران در دیدار با اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس، با بیان این مطلب تأکید کرد که تهدیدهای مطرح شده علیه ایران، بدون پایه بوده و آسیب‌پذیری دشمن نسبت به گذشته بیشتر شده است./ایسنا

همه دلایل جا زدن ترامپ در جنگ یمن

آمریکا مقابل یمن زانو زد

مرور شکست‌های آمریکا پس از ریاست جمهوری ترامپ در تلویزیون همشهری

عکس: همشهری/امیر سیاهپور

گفت‌وگو

رضا عمویی - محمدعلی حسن‌نیا
روزنامه‌نگار

با وجود آنکه طی ۲۰ ماه اخیر انصارالله یمن موفق شده بود کشتی‌های مرتبط با اسرائیل را هدف قرار دهد اما ورود آنها به تحولات دریای سرخ و بمباران یمن با هدف حمایت از اسرائیل باعث شد تا برخی کارشناسان روزهای سختی را برای یمن پیش‌بینی کنند. این پیش‌بینی‌ها چندان درست از آب در نیامد؛ چون نیروهای آمریکایی طی‌چند روز اعلام کردند که از بمباران یمن دست کشیده‌اند و دیگر یمن را بمباران نخواهند کرد. این در حالی بود که طی چندماه گذشته آمریکایی‌ها در عملیات‌های جداگانه بارها شهرهای صنعا، صعده و الحدیده یمن را هدف حملات هوایی سنگین قرار داده بودند، اما پس از چندماه آمریکا با میانجیگری عمان به توافقی برای توقف حملات به یمن دست یافت.

در همین ارتباط روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که تا روز سی‌ویکم بمباران یمن توسط ارتش آمریکا، ترامپ که همیشه نسبت به درگیری‌های نظامی طولانی‌مدت در خاورمیانه بدبین بوده، خواستار گزارش بیشتر شده، اما نتایج موردنظر ترامپ در این گزارش حاصل نشده است. بر اساس این گزارش، آنچه به اطلاع ترامپ رسیده بود، آن بود که پس از ۳۰ روز حملات شدید علیه یمن، درگیری نظامی پرهزینه آمریکا بی‌نتیجه بوده است و همین نتیجه باعث شد تا آمریکا توقف بمباران یمن را اعلام کند.

در ارتباط با عقب‌نشینی آمریکا از بمباران یمن، گفت‌وگویی با ۲ کارشناس مسائل غرب آسیا، آقایان «محمدرضا مرادی» و «حسن هانی‌زاده» داشتیم و نظر این کارشناسان را درباره عقب‌نشینی آمریکا از بمباران یمن جویا شدیم. مشروح این گفت‌وگو به شرح ذیل است:

به‌عنوان سؤال نخست بفرمایید که چرا آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که بمباران یمن باید متوقف شود؟

محمدرضا مرادی: وقتی ترامپ بر اسفند ماه سال گذشته اعلام کرد که با بمباران باید انصارالله یمن را متوقف کنیم، توجه نداشت که مداخله قدرت‌های خارجی در یمن به دلیل روحیه طلبی یمنی‌ها و مسائل مرتبط با ایدئولوژی مردم یمن نمی‌تواند به‌نتیجه برسد و این بمباران نیز مانند دیگر مداخلات خارجی در یمن ناموفق خواهد بود. در سال ۲۰۱۵ عربستان و امارات نتوانستند کاری با یمن انجام دهند؛ در حالی که بن سلمان گفته بود که در عرض یک هفته انصارالله را برکنار می‌کنیم، ۱۰ سال گذشت و عربستان نتوانست به هدف خود برسد. اکنون انصارالله تبدیل به قدرت منطقه‌ای شده و این عربستان و امارات بودند که ناگزیر به عقب‌نشینی شدند. در ابتدای جنگ علیه یمن در سال ۲۰۱۵، حداقل ۱۱ کشور مختلف وارد ائتلاف عربی شدند، اما در نهایت این ائتلاف بین ۲ کشور امارات و عربستان شد و میان عربستان و امارات هم اختلافاتی بروز یافت؛ چون عربستان یمن را حیاط خلوت خود می‌دانست و به‌دنبال تجزیه یمن نبود، ولی امارات به‌دنبال تجزیه یمن و تسلط بر بنادر این کشور بود. حتی در دهه‌های گذشته (در دهه ۱۹۶۰) هم مصری‌ها در حمله به یمن شکست خوردند. ترامپ واقعیت تاریخی شکست مداخله قدرت‌های خارجی در یمن را درنظر نگرفت و آمریکا نیز شکست خورد. در همین مدت کوتاه جنگ آمریکا علیه یمن، بیش از ۹ پهپاد پیشرفته آمریکایی سقوط کرد و یمنی‌ها توانستند جنگنده‌های آمریکایی را هدف قرار دهند. در جریان جنگ یمن، ارتش آمریکا هزینه‌ای از ۳ میلیارد دلار متحمل شد. نیویورک‌تایمز نیز گفته بود ترامپ تصمیم داشته جنگ را تا زمان ترور فرماندهان انصارالله ادامه دهد، اما در چندماه گذشته فرماندهان ارشد انصارالله ترور نشدند و زیرساخت‌های یمن هم آسیب جدی ندید. ما نباید یمن را مانند لبنان درنظر بگیریم؛ چون در لبنان جاسوسان اسرائیلی حضور داشتند، اما در یمن محیط متفاوت است و اسرائیل حضور فعالی ندارد. ساختار قبیله‌ای یمن هم مانع جاسوسی اسرائیل در این کشور شده است و در نهایت کارشناسان نظامی آمریکا و پنتاگون هم هشدار دادند که ادامه جنگ در یمن باعث کاهش ذخایر نظامی آمریکا خواهد شد و در نهایت ترامپ هم شکست را پذیرفت و بمباران را متوقف کرد. قبل از اعلام توافق ترامپ و یمن برای توقف حملات هوایی متقابل، رسانه‌های اسرائیلی تیتر زده بودند که ما در مخمصه یمن گرفتار شده‌ایم. روزنامه تلگراف انگلیس هم تیتر انتقادی زد که ما از نظر تئوری در یمن برنده هستیم، اما روی زمین نمی‌توانیم دستاوردی داشته باشیم و انگلیس نباید خود را گرفتار این مخمصه کند؛ به همین دلیل نیز ائتلاف آمریکا و انگلیس تصمیم به توقف جنگ در یمن گرفتند.

خسارت‌های آمریکا در جنگ یمن چه مواردی بود که ترامپ را به پایان جنگ سوق داد؟

محمدرضا مرادی: باید توجه داشت که آمریکای دوران ترامپ به هیچ عنوان ضعف را برنمی‌تابد و ترامپ می‌خواهد شعار «آمریکا اول» را القا کند؛ به همین خاطر ترامپ جنگ تعرفه‌ها را به راه انداخت. جنگ یمن نیز اعتبار آمریکا را خدشه‌دار کرد. آمریکا یک‌سوم بودجه نظامی و در همکاری با انگلیس نیمی از توان نظامی دنیا را در اختیار داشت و ۳ کشور با این توان نظامی در برابر انصارالله قرار گرفته بودند. این در حالی است که یمن حتی قبل از جنگ، فقیرترین کشور عربی بود و تحت محاصره دریایی، زمینی و هوایی قرار داشت و آمریکا و انگلیس با این حجم توان نظامی در برابر یمن کم آوردند. جنگ یمن این تصویر را از آمریکا نشان داد که این کشور حتی توان شکست دادن یک گروه محلی ضعیف (به زعم خودشان) را ندارد. وقتی تاو تروموس جنگنده خودی را هدف قرار داد و چندبار از دریای سرخ فرار کرد، ضعف آمریکا نمایان شد. این متغیرها در محاسبات آمریکا در برابر یمن وجود نداشت و روی کاغذ اگرچه انصارالله هیچ شانسی برای پیروزی نداشت، اما در میدان نبرد انصارالله با آرمان دینی و روحیه ملی خود توانست نیروهای آمریکایی را از دریای سرخ فراری دهد.

پیام توقف بمباران یمن توسط آمریکا برای اسرائیل چه می‌تواند باشد؟

حسن هانی‌زاده: توافق دوجانبه میان آمریکا و انصارالله یک شکاف عمیق بین آمریکا و رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. اسرائیل انتظار نداشت که آمریکا به‌طور یکجانبه و بدون مشورت با تل‌آویو توافق نانوشته آتش‌بس را بپذیرد. این وضعیت نشان‌دهنده شکست نظامی آمریکاست؛ چون حضور ناوهای آمریکایی ترومن و ایزنهاور برای ورود به جنگ با انصارالله یمن روزانه ۲۰۰ میلیون دلار هزینه روی دست آمریکا گذاشته بود و برای ترامپ صرف این هزینه ۲۰۰ میلیون دلاری در روز برای دفاع از اسرائیل پذیرفتنیه نبود. ترامپ نگاه تاجرمآبانه به مسائل سیاسی و امنیتی دارد و به همین دلیل حاضر به صرف هزینه بی‌نتیجه به بهانه تأمین امنیت اسرائیل نیست. از طرف دیگر انصارالله اشراف بالایی در تنگه باب‌المندب دارد و چندبار هم هواپیماهای آمریکا در دریای سرخ را هدف قرار داد. وقتی هم آمریکا با انصارالله به توافق رسید، این توافق با خشم نتانیاهو روبه‌رو شد و سفیر آمریکا در اسرائیل را احضار کرد و برای نخستین‌بار سفیر آمریکا در اسرائیل اعلام کرد که ما در مسائل امنیتی خودمان از اسرائیل اجازه نمی‌گیریم. متعاقب آن سفر وزیر دفاع آمریکا به اسرائیل نیز لغو شد. از طرف دیگر سفر ترامپ به خاورمیانه بدون سفر به اراضی اشغالی خواهد بود و اسرائیل مقصد سفر رئیس‌جمهور آمریکا در این جریان سفر منطقه‌ای به غرب آسیا نیست. این برای نخستین‌بار است که یک رئیس‌جمهور آمریکا به خاورمیانه سفر می‌کند و این سفر بدون دیدار از اسرائیل صورت می‌گیرد. در جریان مذاکرات آمریکا با ایران نیز نتانیاهو از ترامپ خواست تا با ایران توافق نکند، اما با واکنش شدید ترامپ روبه‌رو شد. این شرایط نشان می‌دهد که آمریکا و اسرائیل دچار شکاف قابل توجهی در روابط دوجانبه خود شده‌اند.

با توجه به توقف بمباران یمن توسط آمریکا، آیا اسرائیل می‌تواند خودش به‌صورت مستقیم وارد درگیری با یمن شود؟

محمدرضا مرادی: در ارتباط با این موضوع باید توجه داشت که حتی آمریکا به همراه انگلیس هم توان اینکه انصارالله را وادار به عقب‌نشینی کند، نداشت و اسرائیل هم این توان را نخواهد داشت. اسرائیل در جنگ غزه نیز دچار مشکل شده و مخالفان جنگ در اسرائیل بسیار فعال شده‌اند. مخالفت‌های داخلی در اسرائیل برای پایان دادن به جنگ غزه، فشار مضاعفی علیه رهبران رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است؛ اگر حمله یمن با موشک هایپرسونیک به مجاورت فرودگاه بن گوریون تل‌آویو را هم درنظر بگیریم، این درواقع یک هشدار شدید به نتانیاهو بود؛ چون این موشک از ۴ دیوره سامانه موشکی عبور کرد. لذا وقتی انصارالله می‌تواند نزدیک فرودگاه اسرائیل را بزند، حتما خود فرودگاه را هم می‌تواند بزند. در عین حال نتانیاهو ناچار است که حملات را ادامه دهد تا بحران ادامه یابد و او بتواند در قدرت باقی بماند. همین الان اگر جنگ در غزه متوقف شود، نتانیاهو سقوط خواهد کرد. نتانیاهو می‌داند پایان کار دولتش به‌معنای زندانی و دادگاهی شدن خودش است. بسیاری از احزاب در اسرائیل هم نتانیاهو را عامل شکست در عملیات ۷ اکتبر نیروهای حماس می‌دانند؛ لذا نتانیاهو برای آنکه بتواند در قدرت بماند و زندانی نشود، ناچار است تا جنگ در غزه و بمباران یمن را ادامه دهد؛ هرچند هیچ‌کدام دستاوردی برای او نخواهد داشت.

محمدرضا مرادی — حسن هانی‌زاده

اسرائیل منفورتر شده است

نتایج نظرسنجی‌ها در بیش از ۱۰۰ کشور جهان نشان می‌دهد که نارضایتی از سیاست‌های رژیم‌صهیونیستی در خاورمیانه بسیار بررنگ است و حتی در کشورهایی چون آلمان که به‌طور سنتی از متحدان نزدیک این رژیم به‌شمار می‌آیند، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. /فلسطین آنلاین

خبرهایی که نمی‌بینید

سفر دونالد ترامپ به عربستان سعودی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با هدف شرکت در نشست اقتصادی آمریکا و عربستان به ریاض، پایتخت عربستان سعودی رفت. ترامپ در دیدار با محمد بن سلمان ولیعهد عربستان درباره سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری ریاض در واشنگتن طی ۴ سال آتی رایزنی کرده است. /المیادین

همشهری دیپلماتیک

صفحه‌آرا: مجید اصغری

آمریکا مقاومت یمن را باور نداشت

نگاه ۱

آمریکایی‌ها که ابتدا هم تمایل چندانی به جنگ با یمن نداشتند اما ۳ مسئله آنان را ناگزیر کرد وارد این میدان شوند؛ یکی تعهد آنان به حفظ امنیت رژیم صهیونیستی که ماموریتی که آمریکایی‌ها برای خود تعریف کرده‌اند؛ یعنی حفاظت از روند انتقال نفت از هر جای دنیا به دهان سرمایه‌داری، ماموریتی که آمریکایی‌ها از آن به‌عنوان اهرم و نشانه رهبری خود استفاده می‌کنند. در این مورد نیز یمن روند انتقال نفت را به خطر انداخته بود و این مسئله نیز آمریکا را مجبور کرد که وارد جنگ با یمن شود.

واشنگتن ابتدا تصورش این بود که با بمباران و هدف قرار دادن مراکز سوخت و نیروگاه‌های برق می‌تواند مردم یمن را از حمایت از مقاومت منصرف کند اما هیچ بمباراتی در یمن رعب و واهمه ایجاد نکرد. این حملات نتوانست عزم مردم یمن را برای حمایت از مردم فلسطین در هم بشکند و اتفاقا عزم آنان را راسخ‌تر کرد. واقعیت این است که ارتش آمریکا برای یک جنگ نامتقارن امروزی آمادگی نداشت؛ به‌خصوص که مقاومت در یمن بی‌نظیر بود. عامل اصلی شکست آمریکا همین مقاومت بی‌مانند مردم یمن بود.

گذشته از موقعیت جغرافیایی یمن و کنترل آن بر تنگه باب‌المندب، پایگاه‌های آمریکا همگی در دسترس نیروهای یمنی قرار دارد. از سوی دیگر، آمریکایی‌ها از ابتدا هم تمایلی نداشتند که در این جنگ خسارت سنگینی متحمل شوند. همین ناامادگی آنها در برابر خسارت سنگین یکی از عوامل شکست و غافلگیری‌های واشنگتن بود.

نکته دیگر اینکه، نیروهای انصارالله یمن از ۹ سال جنگ، توانمندی مقابله با تجاوزهای نظامی خارجی را توسعه داده‌اند. توانایی آنها در تولید انواع موشک‌ها و پهپادها و به کارگیری این تسلیحات نیز به خوبی تقویت شده است.

اشتباه آمریکایی‌ها این بود که تصور می‌کردند به‌عنوان یک ابرقدرت وارد جنگ می‌شوند و یمن به مثابه یک کشور جهان سومی به راحتی تسلیم خواهد شد. آنها چنین مقاومتی را از مردم یمن باور نداشتند و عمده‌ترین مسئله‌ای که معادلات منطقه را به نفع یمن بر هم زد همین نکته است.

آمریکایی‌ها تصور می‌کردند که جنگیدن یمنی‌ها برای برادرانی (فلسطینیان) که ۲ هزار کیلومتر دورتر هستند نمی‌تواند انگیزه‌ای ملی باشد. از سوی دیگر درک درستی هم از بعد معنوی چنین جنگی نداشتند.

شکست آمریکا در جنگ یمن علاوه بر ابعاد نظامی و مالی، سیاست خارجی آمریکا را نیز در خاورمیانه عمیقا تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ چرا که شکست امروز آمریکا مانند شکست این کشور در جنگ ویتنام نیست که دور از انظار جهانی بود. امروز آمریکا در منطقه‌ای متحمل شکست شده که جهان کاملا تحولات آن را زیر نظر دارد. دوم اینکه، یمن چهره آمریکا را به‌عنوان یک ابرقدرت جهانی خدشه‌دار کرده آن‌هم در شرایطی که یکی از وعده‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهورش این بوده که «آمریکا را دوباره قدرتمند کند».

یمنی‌ها در این جنگ تنها شاخصه برجسته آمریکا - یعنی قدرت نظامی- آن را به چالش کشیدند و این بسیار برای آمریکایی‌ها خفت‌آور است.

جعفر قنادباشی
کارشناس مسائل خاورمیانه و آفریقا

محاسبات غلط آمریکا در یمن

نگاه ۲

آمریکا در دوره ترامپ و در تمام ماه‌های اخیر در صحنه‌های پرمخاطره‌ای در روابط بین‌الملل ورود کرده است. رئیس‌جمهور خودشیفته آمریکا از همان ابتدا که وارد کاخ سفید شده است تلاش کرده چهره‌ای غیرقابل پیش‌بینی از خود نشان دهد و معادلات را به نفع واشنگتن رقم بزند.

ترامپی که این تصویر را از خود ساخته است، از استراتژی «صلح از طریق قدرت» بهره می‌برد. این استراتژی مبتنی بر قدرت بازدارندگی است و بدین معناست که او در محاسبه با حریف، دست بالا را دارد و کسی توان چانه‌زنی در برابرش ندارد.

قصه آمریکا در مواجهه با یمن اما بر مبنای محاسبه ترامپ پیش نرفته است. آمریکایی‌ها طی ۳ ماه گذشته حملات پرشماری علیه زیرساخت‌های یمن انجام داده‌اند. برخی اما مرا تعداد این حملات را بیش از هزار بار اعلام کرده‌اند. اما با همه این حملات و هزینه سنگینی که آمریکا در جنگ با یمن انجام داده است، هفته گذشته رئیس‌جمهور برخاسته و خبرساز آمریکا یکباره اعلام کرد که ما با یمن آتش‌بس کرده‌ایم و یمنی‌ها دیگر به ما حمله نخواهند کرد. ساعتی بعد هم مقام عمانی اعلام کرد که بمباران آمریکا پس از آتش‌بس را انجام داده است و در واقع سخنان ترامپ را تأیید کرد.

اما درباره آتش‌بس یمن و آمریکا چند نکته مهم وجود دارد؛ اول اینکه محاسبات ترامپ و آمریکا در برابر یمن غلط اندر غلط بود و در واقع حریف قدرت یمن نشدند. وضعیت به‌گونه‌ای است که روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز با ادبیاتی انتقادی درباره آتش‌بس آمریکا و یمن می‌نویسد: «همبازیگری عمان، ترامپ را از مخمصه یمن نجات داد.»

جالب اینجاست که حتی نیویورک‌تایمز صریحا این صحنه را شکست آمریکا در برابر یمن توصیف کرده است.

نکته‌های جالب‌تر، اول اینکه ایران اینترنشنال به‌عنوان یک رسانه در خدمت صهیونیست‌ها، به مسئله آتش‌بس یمن و آمریکا، واکنشی عصبی همراه با سرزدگی و استیصال نشان داد و از عبارت‌های چون «خیانت ترامپ به اسرائیل» و «باورنکردنی بودن اعتماد به انصارالله» استفاده کرد.

دوم اینکه، پیام این آتش‌بس این است که ترامپ در هر صحنه‌ای که احساس کند طرف مقابل محکم ایستاده است و برای او هزینه خواهد داشت، بلافاصله عقب‌نشینی می‌کند. در واقع یمن، چهره اصلی و بدون نقاب ترامپ و آمریکا را عیان و نمایان کرد.

سوم اینکه، قدرت یمن متکی به محور مقاومت است و مقاومت همچنان می‌تواند معادلات و محاسبات را برهم بزند. تحلیل بسیاری از کارشناسان که کار یمن را تمام‌شده می‌دانستند، غلط از آب در آمده است؛ چنان‌که رژیم صهیونی باور نمی‌کرد موشک بالستیک یمن در فرودگاه بن‌گوریون با آن حجم از تخریب فرود بیاید و از تمام سامانه‌های دفاعی مدرن و میلیاردی عبور کند.

چهارم اینکه، آتش‌بس یمن و آمریکا منحصر به این دو کشور است و غایب بزرگ این صحنه رژیم صهیونیستی است که همچنان با موشک‌های یمن، حاضیه این نخواهد داشت.

و نکته آخر که باید گفت، صحنه تحولات و درگیری‌های منطقه‌ای و جهانی را در دنیای جدید باید درست و دقیق تحلیل کرد. عملیات روانی و رسانه‌ای بخشی از بازی چندلایه آمریکایی‌ها در مواجهه با دشمنان‌شان است، اما این فقط یک ضلع از جنگ ترکیبی است و همه واقعیت در صحنه قدرت نیست.

از یمن و قدرت مقاومت یمنی باید درس گرفت و امیدوار شد.

حسام‌الدین برومند
کارشناس مسائل بین‌الملل

روزنامه

رکورد شکنی اسرائیل در خبرنگارکشی

رژیم صهیونیستی در تازه‌ترین جنایت خود در نوار غزه، حسن اصلیح، خبرنگار مجروح فلسطینی را در بیمارستان ناصر در شهر خان‌یونس در نوار غزه هدف قرار داد و به شهادت رساند. او یک‌ماه پیش در حمله نیروهای اسرائیلی به‌شدت مجروح و برای درمان جراحاتش در بیمارستان بستری شده بود.

اشغالگران در نسل‌کشی غزه، بیش از مجموع خبرنگارانی که در جنگ داخلی آمریکا، دو جنگ جهانی، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ‌های یوگسلاوی، جنگ روسیه و اوکراین و جنگ آمریکا در افغانستان کشته شده‌اند، خبرنگار به قتل رسانده‌اند.

حسن اصلیح که بود؟

- حسن اصلیح، خبرنگار متعهد فلسطینی از ساکنان نوار غزه، بیش از یک‌سال‌ونیم بود که با در دست داشتن دوربینش، وقایع تلخ و حملات بی‌رانگر رژیم صهیونیستی را مستند می‌کرد.
- او در هفتم آوریل در حمله‌ای مستقیم به چادر خبرنگاران در بیمارستان ناصر زخمی شد؛ حمله‌ای که در آن چندین تن از همکارانش به شهادت رسیدند.
- حسن برای درمان به همان بیمارستان منتقل شد، اما ارتش اشغالگر او را حتی در بستر بیماری نیز رها نکرد و بامداد سه‌شنبه با حمله هوایی به بخش سوختگی بیمارستان، او را به شهادت رساند.
- آخرین خبری که حسن پیش از شهادتش مخابره کرده بود، درباره حمله هوایی جدید اسرائیل به مناطق مختلف شهر خان‌یونس بود. اما خودش نمی‌دانست که چند ساعت بعد، او خود سوژه آن خبر خواهد شد.

شمار خبرنگاران کشته شده در جنگ

- جنگ داخلی آمریکا (۱۸۶۵-۱۸۶۱)
  ۴ خبرنگار در طول ۴ سال
- جنگ کره (۱۹۵۳-۱۹۵۰)
  ۱۷ خبرنگار در طول ۳ سال
- جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵-۱۹۳۹)
  ۶۶ خبرنگار در طول ۶ سال
- جنگ ویتنام (۱۹۷۵-۱۹۵۵)
  ۵۸ خبرنگار در طول ۲۰ سال
- جنگ‌های یوگسلاوی (۲۰۰۱-۱۹۹۱)
  ۱۵۰ خبرنگار و کارمند رسانه در طول ۱۰ سال
- جنگ عراق (۲۰۱۱-۲۰۰۳)
  ۱۵۰ خبرنگار در طول ۸ سال
- جنگ آمریکا در افغانستان (۲۰۲۱-۲۰۰۱)
  ۶۵ خبرنگار و کارمند رسانه در طول ۲۰ سال
- جنگ روسیه و اوکراین (۲۰۲۵-۲۰۲۲)
  ۱۷ خبرنگار در طول ۳ سال
- جنگ غزه (۲۰۲۵-۲۰۲۳)
  ۲۱۵ خبرنگار در طول ۱۹ ماه

منابع: **niemanreports.org / الجزیره / مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین**

کیوسک

روزنامه معاریو [سرزمین‌های اشغالی]

تمایل ۴۰ درصد از ساکنان اسرائیل به مهاجرت

در سال ۲۰۲۴ میلادی حدود ۶۰ هزار نفر اسرائیلی (اراضی اشغالی) را ترک کردند و دیگر بازنگشتند؛ این رقم پیش از آمار مهاجرت‌های ثبت‌شده در سال ۲۰۲۳ است. براساس نظرسنجی شرکت سی مار کتینگ، نزدیک به ۴۰ درصد از کسانی که همچنان در اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) زندگی می‌کنند، به مهاجرت فکر می‌کنند. ۸ درصد از مهاجران سال گذشته را جوانان و خانواده‌هایی با بازه سنی ۲۵ تا ۴۴ سال تشکیل می‌دادند. تحقیقات نشان داده، عوامل اصلی‌ای که اسرائیلی‌ها را به مهاجرت تسوق می‌دهد، ادامه جنگ، بی‌ثباتی سیاسی و هزینه بالای زندگی است؛ در واقع اینها دلایلی هستند که بسیاری را به جست‌وجوی آینده‌ای بهتر در خارج وامی‌دارند.

ایران در کانون سفر منطقه‌ای ترامپ

تحلیلگران معتقدند موضوع ایران از اصلی‌ترین محورهای رایزنی‌های ترامپ در عربستان، قطر و امارات خواهد بود

گزارش

علیرضا احمدی
روزنامه‌نگار

رئیس‌جمهور آمریکا روز سه‌شنبه در حالی در نخستین مقصد سفر منطقه‌ای خود به غرب آسیا وارد ریاض شد که تحلیلگران بین‌المللی معتقدند موضوع ایران، یکی از اصلی‌ترین محورهای رایزنی‌های ترامپ در عربستان، قطر و امارات خواهد بود؛ موضوعی که از اهمیت ویژه‌ای برای هر دو طرف برخوردار است.

تور منطقه‌ای دونالد ترامپ در حالی یکی از نخستین سفرهای خارجی او از زمان حضور دوباره‌اش در کاخ سفید به‌حساب می‌آید که طی روزهای اخیر دستور کار این سفر در کانون تحلیل‌ها و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای قرار داشته است و کارشناسان معتقدند علاوه‌بر اهداف اقتصادی رئیس‌جمهور آمریکا، بحث ایران، آن هم در کوران مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای تهران و واشنگتن، محور رایزنی‌های ترامپ با مقام‌های عربی منطقه خواهد بود.

اگرچه منابع عربی منطقه معتقدند میزبانان ترامپ در شرایط کنونی بیش از هر چیز در مناسبات دوجانبه با واشنگتن متمرکز شده‌اند، اما بررسی تحولات منطقه‌ای اخیر نشان می‌دهد دولت‌های عربی اکنون بیش از هر زمان دیگری، خواستار توافق واشنگتن با تهران در جریان مذاکرات جاری هستند؛ موضوعی که به تعبیر برخی کارشناسان با «فشار اعراب بر آمریکا برای توافق با ایران» نیز همراه شده است.

اینها در حالی است که محور ریاض- دوحه- ابوظبی طی سال‌های اخیر با اتخاذ رویکردهای تنش‌زدا، کوشیده‌اند ضمن ترمیم و توسعه مناسبات با تهران، سد مشترکی در برابر بحران‌سازی‌های فزاینده آل‌سعود در سطح منطقه ایجاد کنند. براین اساس هم هست که در شرایط کنونی این کشورها ضمن حمایت از روند مذاکرات، خواستار حصول توافقی میان تهران و واشنگتن هستند؛ توافقی که حصول آن چشم‌انداز نوینی را پیش‌روی ثبات‌سازی در غرب آسیا ترسیم خواهد کرد.

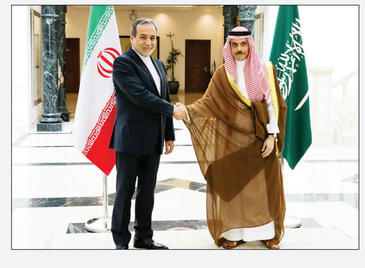

اهمیت مذاکرات برای اعراب

نوع مواجهه عربستان، قطر و امارات با مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا، نشان می‌دهد این ۳ کشور با حساسیت ویژه‌ای مشغول پیگیری تحولات این حوزه هستند و در مقاطعی نیز به نقش‌آفرینی در این زمینه پرداخته‌اند؛ موضوعی که در ادامه به برخی نمودهای آن اشاره می‌شود.

۱ عربستان

تشریک مساعی با ایران: در جریان ۴ دور مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا، تهران و ریاض در چارچوب دیدارها و رایزنی‌های دیپلماتیک در این زمینه بحث و تبادل نظر کردند. براین اساس هم بود که تهران اعلام کرد طرف سعودی را در جریان روند مذاکرات قرار داده است.

تلاش برای میانجیگری: طی ما